

نظارت حقوقی بر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

عباس کعبی‌نسب*

مصطفی یوسفی**

چکیده:

اگر فرهنگ را بنمایه‌ی هویت معنوی ملت‌ها بدانیم در مقابل تمدن که شاکله‌ی هویت مادی ملت‌ها است باید اذعان نمود که ایرانیان از دیرباز دارای برتری‌ها و تمایزات فرهنگی مانند آداب و رسوم، گویش، ادبیات، هنر، پوشش و ... بوده‌اند و حفظ و گسترش این فرهنگ از دغدغه‌های همیشگی ایرانیان بوده است و انقلاب اسلامی ایران نیز می‌توان پاسخی به حساسیت تاریخی دانست. لذا در جمهوری اسلامی ایران نهادهای گسترده و پراکنده‌ای به انجام امور فرهنگی می‌پردازند که در نتیجه باعث شکل‌گیری حجم وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی غیر هماهنگ می‌باشیم. این گستردگی فعالیت‌های فرهنگی لزوم نظارت یکپارچه بر این نهادها را مسجل نموده است. نهادهای ناظر بر فعالیت‌های فرهنگ یعنی مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به دلایل ضعف‌های حقوقی و ساختاری نتوانسته‌اند تا به یک نظام نظارتی فرهنگی یکپارچه دست یابند. که مهم‌ترین دلایل این ناکامی نبود نهادی با ثبات، فراجناحی، تخصصی، مستقل در امر نظارت فرهنگی و عدم تفکیک سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجرا و نظارت در امر فرهنگ می‌باشد. لذا در این مقاله سعی شده با تعریف دقیق از یک دستگاه نظارتی فرهنگی کارآمد به تحلیل نهادهای نظارتی موجود در امر فرهنگ در کشور پرداخته و با شناخت نقاط ضعف فعلی به ارائه راهکارهایی جهت دستیابی به نظام مطلوب نظارت فرهنگی در کشور بپردازیم.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، نظارت، سیاست‌گذاری، شورای عالی انقلاب فرهنگی

* عضو مجلس خبرگان رهبری

** دانشجوی دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

ملت ایران از هزاران سال پیش دارای علایق عمیق فرهنگی بوده است به گونه‌ای که نام ایران به‌عنوان یکی از ملل پیشتاز در تاریخ فرهنگ جهانی به ثبت رسیده است و کمتر ایران‌شناسی پیدا می‌شود که درباره فرهنگ و هویت ایرانی مطالعه کرده باشد و به این قدمت اشاره‌ای نداشته باشد (خوان‌محمدی، ۱۳۸۸: ۴). در کلیه اعصار نیز فرهنگ غنی ایرانی عامل برجستگی و درخشش ایران در جهان بوده است، به گونه‌ای که بعد از پذیرش دین اسلام توسط ایرانیان، نه تنها فرهنگ ایرانی از بین نرفت بلکه با درآمیختن در دین اسلام باعث شکوفایی بیشتر فرهنگ ایرانی و گسترش بیشتر اسلام گردید و باعث خدمات گسترده‌ای به دین اسلام گشت.^۱

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادها در قرن ۲۰ام میلادی دارای ابعاد و عوامل گوناگونی می‌باشد که یکی از عوامل اصلی آن، نارضایتی مردم نسبت به سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی بود. از آنجایی که دین، اعتقادات و نظام باورها، خود از مؤلفه‌های فرهنگی می‌باشد بی‌شک انقلاب اسلامی انقلابی فرهنگی بود (گودرزی: ۱۲۰) پس از شکل‌گیری نظام اسلامی، لازم بود که همه ارکان و اجزای این نظام مطابق با آرمان‌های آن ساماندهی گردد. از جمله بخش‌های مهمی که می‌بایست با این نظام هماهنگ باشد، مجموعه فرهنگ کشور بود (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹: ۷۱). لذا به تبع ماهیت انقلاب اسلامی ایران، نهادهای فرهنگی دچار دگرگونی‌های گسترده‌ای گردیدند بعضی از نهادها به کلی منحل اعلام گردیدند و قسمت دیگری از نهادهای فرهنگی با تغییراتی حفظ گردیدند. با این همه این تغییرات جوابگوی نیازهای فرهنگی انقلاب نبود لذا علاوه بر ادامه کار نهادهای فرهنگی موجود، نهادهای جدیدالتأسیس فرهنگی نیز برای پاسخگویی به نیازهای انقلابی شروع به کار نمودند، که هر یک ذیل ارگانی خاصی به انجام وظایف می‌پرداختند. همچنین با توجه بیشتر مردم و مسئولین به امر فرهنگ، نهادهای با کار ویژه غیرفرهنگی نیز اهتمام ویژه‌ای نسبت به فرهنگ نشان دادند و فعالیت‌های فرهنگی خویش را افزودند. در نتیجه امروز شاهد فعالیت‌های گوناگون فرهنگی از طرف نهادهای فرهنگی یا غیرفرهنگی می‌باشیم که گاه به دلیل تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای، تعدد نهادهای فرهنگی، عدم نظارت یکپارچه و مداوم و عدم وجود سیاست‌گذاری و نقشه جامعه فرهنگی... شاهد فعالیت‌های فرهنگی متناقض، گاه موازی‌کاری و خلاء در فعالیت فرهنگ کشور می‌باشیم.

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران اثر شهید مرتضی مطهری

نظارت حقوقی بر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران □ ۱۹۵

لذا وجود دستگاہی ناظر بر فعالیت‌های فرهنگی که ضمن رصد فعالیت‌های فرهنگی کلیه نهادها و نظارت بر حسن انجام سیاست‌های فرهنگی نظام، نقاط ضعف و یا انحراف فعالیت‌های فرهنگی را شناسایی و در عرصه کلان باز سیاست‌گذاری نماید امری لازم می‌باشد. اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان نهاد عالی فرهنگی کشور این وظایف را بر عهده دارد اما ضعف در ضمانت اجرای نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی باعث گردیده است تا تحقق هماهنگی فرهنگی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران عملاً محقق نگردد.

در این مقاله به‌دنبال بررسی حقوقی نظارت بر نهادهای گوناگون فرهنگی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم تا با بررسی نقاط قوت و ضعف آن به ارائه پیشنهاد و راه کار در جهت ارتقاء فرهنگ کشور بپردازیم.

نهادهای فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف فرهنگ^۱

برای شناخت بهتر نهادهای فرهنگی ابتدا می‌بایست به مذاقه در مفهوم و تعریف فرهنگ پرداخت تا معلوم گردد عبارت "نهادهای فرهنگی" و نظارت بر آن جامع و مانع کدام مفاهیم می‌باشند. در "فرهنگ دهخدا" در مقابل کلمه فرهنگ آمده است: به معنی تعلیم و تربیت است (حاشیه برهان به تصحیح دکتر معین). به معنی فرهنگ است که علم و دانش و ادب باشد (برهان). آموزش و پرورش. تعلیم و تربیت. امور مربوط به مدارس و آموزشگاه‌ها. کتاب لغات فارسی را نیز گویند دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۲۷ و ۲۲۸).

در کتاب "کامل فرهنگ فارسی" ذیل لغت فرهنگ ذکر شده است: مجموعه معارف و آثار و مآثر و ویژه موارد تاریخ هر ملت شامل: دانش‌ها، واژگان زبان، ادبیات، دین و عقاید، صنایع، سبک معماری و شهرسازی، فلکلور، آیین‌ها و آداب و رسوم و طرز معاشرت، شیوه آموزش و پرورش و روش زندگی، طرز آهنگ‌های موسیقی و موضوعات نقاشی و دیگر هنرها و همچنین ویژگی‌های خلق و خوی و نوع پوشاک و خوراک و تمامی دیگر مظاهر زندگی ایشان. در "فرهنگ‌اندیشه نو" آمده است: فرهنگ از دیدگاه انسان‌شناسی آفریده انسان است و او آن را از طریق غیرزیستی به پسونیان خود منتقل می‌کند. فرهنگ مشترک‌ترین مشخصه انسان است. (انصاف‌پور، ۱۳۷۹: ۷۸۳)

^۱ - culture

همچنین در "فرهنگ بزرگ سخن" واژه فرهنگ این چنین تعریف گشته است: ۱- پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است ۲- مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی درباره هنر، ادبیات، علم، سیاست و مانند آن‌ها که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد ۳- ادب شعور یا تربیت اجتماعی ۴- وزارت آموزش و پرورش (منسوخ) ۵- علم و معرفت ۶- عقل و خرد ۷- تدبیر و چاره (انوری، ۱۳۸۱: ۵۳۴۶، ۵۳۴۷).

در "فرهنگ ناظم الاطباء (نفیسی)" واژه فرهنگ را این گونه تعریف شده است: نیکویی، تربیت و پرورش و بزرگی و عظمت و بزرگواری و فضیلت، وقار و شکوه‌مندی، دانش و حکمت و هنر و علم و معرفت و علم فقه و شریعت و کتابی که محتوی لغات فارسی باشد (نفیسی، ۱۳۴۳، جلد چهارم: ۲۵۵۷).

فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد تحلیلی جامعه‌شناسانه از فرهنگ ارائه نموده است که در روشن نمودن حوزه و تعریف جدید فرهنگ کمک می‌نماید: در علوم اجتماعی، فرهنگ هر آن چیزی است که در جامعه بشری به شکل اجتماعی و نه طبیعی منتقل می‌شود، حال آن‌که در کاربرد رایج آن تنها به هنر توجه می‌شود. به این ترتیب، فرهنگ اصطلاحی عام است که در مورد ابعاد نمادین و یادگیری شده جامعه بشری به کار می‌رود. برداشت‌های انسان‌شناختی اجتماعی از فرهنگ تا حد زیادی مبتنی بر تعریف ادوارد تایلور^۱ از آن در سال ۱۸۷۱ است. او در این تعریف به مجموعه‌ای آموخته شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می‌کند (گردن مارشال، ۱۳۸۸: ۲۴۸، ۲۴۹).

شورای عالی انقلاب فرهنگ در سند فرهنگی کشور، فرهنگ را این گونه تعریف نموده است: نظام واره‌ای است از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.^۲

همان گونه که از تعاریف فوق بر می‌آید، فرهنگ آن عناصر غیرمادی است که حاصل اندیشه، زیست مشترک، باورها و عقاید هر جامعه‌ی بشری در طی سال‌های طولانی زیست مشترک بشری می‌باشد که در زبان و ادبیات، دین و آئین، پوشش و گویش، هنر، نظام آموزشی و تربیتی...

1. Edward Taylor

۲. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲

بروز می‌کند و هر ملتی در حفظ و اعتلای آن می‌کوشد و به نسل بعد منتقل می‌کند. در این تعریف می‌توان به نوعی فرهنگ را نمایان کننده‌ی "هویت معنوی"^۱ هر ملت دانست.

تعریف نهاد فرهنگی

با توجه به تعریف فوق از فرهنگ کلیه‌ی نهادها سازمان‌ها ارگان‌های دولتی، خصوصی، تعاونی چه در داخل یا خارج از کشور، که کار ویژه‌ی اصلی آن یا قسمت قابل توجهی از وظایف آن سازمان به مسائل فرهنگی اختصاص داشته باشد را نهاد فرهنگی می‌نامیم. بعضی از نهادهای فرهنگی مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی به صورت تخصصی به مسائل زبان و ادبیات می‌پردازند. بعضی از نهادهای فرهنگی مانند سازمان تبلیغات اسلامی به صورت تخصصی به مسائل دینی و مذهبی می‌پردازند و بعضی از نهادها مانند حوزه هنری به صورت تخصصی به امور هنری می‌پردازند و تعدادی از نهادهای فرهنگی مسئولیت عام در زمینه‌ی فرهنگ دارند و کار ویژه عام در زمینه‌ی سیاست‌گذاری و اجرای امور فرهنگی را بر عهده دارند. در این زمینه "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئول اجرای سیاست‌های رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی فرهنگ عمومی است."^۲ همچنین این مسئولیت برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فراگیر بوده و محدود به داخل کشور نمی‌باشد، دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی دولتی و همچنین دستگاه‌هایی که از امکانات و کمک دولت استفاده می‌کنند به شرط هماهنگی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توانند در خارج از کشور به فعالیت بپردازند.^۳ در زمینه سیاست‌گذاری نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه عام سیاست‌گذاری در کلیه امور فرهنگی را بر عهده دارد.

نهادهای خصوصی نیز که در قالب "مؤسسات فرهنگی" از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت می‌گیرند یا به صورت سازمان‌های مردم نهاد به فعالیت فرهنگی می‌پردازند نیز در چارچوب نهادهای فرهنگی محسوب می‌شوند.

همچنین بسیاری از نهادهایی که کارویژه اصلی آنها فرهنگی نیستند، به انجام وظایف فرهنگی می‌پردازند. که این امر با توجه به نقش پیشگیرانه و بنادین فرهنگ در دیگر امور اجتماعی صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که بسیاری از نهادهای امنیتی، انتظامی و سیاسی برای پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از حمله‌های سیاسی قسمت قابل توجهی از بودجه و فعالیت خود را صرف

1. Spiritual Identity

۲. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ماده ۲

۳. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبصره ۲ ماده ۲

امور فرهنگی می‌نمایند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان حج و زیارت از این دست نهادها می‌باشند که اگر چه وظیفه اصلی آنان فرهنگی نمی‌باشد، اما برای تسهیل در تحقق اهداف، پیشگیری از وقوع جرایم و حصول بهترین نتیجه از ابزار فرهنگ به‌عنوان مکمل وظایف خویش استفاده می‌نمایند. در این باره ماده ۱۸ قانون اساسنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب تیر ۱۳۶۹ "همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به‌منظور کاهش جرایم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله"^۱ را از وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برمی‌شمارد.

با این توصیف نهادها و سازمان‌های گسترده‌ای به انجام امور فرهنگی پردازند که تعدادی از این نهادها وظیفه اصلی فرهنگی دارند و بعضی دیگر نیز به‌صورت تبعی به امور فرهنگی می‌پردازند. مؤسسات فرهنگی غیردولتی نیز که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به فعالیت می‌پردازند به گستردگی این نهادها می‌افزاید.

نظارت بر نهادهای فرهنگی

نظارت به معنای عام، عبارت از قرار دادن یک جریان و عمل ممتد و یا تدریجی الحصول در چشم‌انداز و معرض شهود است، لکن در مفهوم خاص آن که در سازمان اداری کشور و به‌ویژه در حقوق اداری به‌کار می‌رود، عبارت است از مراقبت انجام یک عمل در راستای ضوابط، اهداف و خطمشی‌های از پیشی تعیین شده تا ضمن رعایت همه مقررات به نتیجه یا نتایج مطلوب خود برسد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۸۴) لذا امر فرهنگ نیز باید سازوکارهای لازم نظارتی را داشته باشد تا به نتایج مطلوب ناشی از آن در جامعه دست یابیم.

ویژگی‌های نظارت فرهنگی

با توجه به اهمیت فرهنگ، و به تبع آن فعالیت نهادهای متنوع و پراکنده فرهنگی نظارت نسبت به این نهادها و عملکرد آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد، لذا در صورت عدم نظارت صحیح بر عملکرد نهادهای فرهنگی زیان‌های جبران‌ناپذیری بر هویت فرهنگی کشور وارد خواهد شد. عدم‌هماهنگی میان دستگاه‌های متولی امر فرهنگ از مشکلات بغرنج برنامه‌ریزی فرهنگی می‌باشد (نگهداری، ۱۳۸۶: ۶) "نهادهای ناظر فرهنگی" همچنین "نظارت فرهنگی" می‌بایست

۱. قانون اساسنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

دارای ویژگی‌هایی باشند که باعث تحقق اهداف فرهنگی گردند و از دور شدن از اهداف از قبل تعیین شده فرهنگی جلوگیری نماید. لذا در این قسمت به بررسی ویژگی‌های نظارت فرهنگی می‌پردازیم.

۱- تخصصی بودن

نظارت از شعب حکومت می‌باشد لذا تابعی از آن می‌باشد. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: "چون حکومت اسلام حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد. چنان که در روایت آمده است. نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه و مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد." (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹: ۴۸).

لذا نهادی که به نظارت فرهنگی می‌پردازد می‌بایست خود در زمینه‌ی فرهنگ متخصص باشد. نظارت فرهنگی با نظارت مالی، اداری، حقوقی و ... متفاوت می‌باشد. اگر چه ممکن است در نظارت بر نهادهای فرهنگی نسبت به مسائل غیرفرهنگی نیز نظارت گردد و تخلفات مالی و اداری نیز در این نهادها رخ دهد، اما آنچه در نظارت فرهنگی موردنظر است راستی‌آزمایی انجام صحیح فعالیت‌های فرهنگی و محاسبه‌ی عدم انحراف از سیاست‌گذاری‌های مصوب نهاد فرهنگی می‌باشد، که نیازمند شناخت و تسلط کافی نسبت به مسائل فرهنگی می‌باشد. لذا نهاد ناظر فرهنگی می‌بایست خود متشکل از افراد خبره‌ی فرهنگی باشد.

۲- دارای ضمانت اجرای موثر و بازدارنده

از آنجایی که ارتکاب اشتباهات فرهنگی توسط نهادهای فرهنگی، اثرات مخرب جبران ناپذیر بر تمامیت معنوی و هویتی آحاد ملت دارد و اشتباهات فرهنگی به‌راحتی قابل جبران نیست^۱ لذا نهاد ناظر فرهنگی می‌بایست دارای ابزارهای مؤثر، فوری و بازدارنده در جهت جلوگیری از اقدامات اشتباه و تخلفات فرهنگی باشند. از این‌رو با توجه به اصل سلسله مراتب در نظام حقوق اساسی نهاد عالی ناظر فرهنگی می‌بایست از جایگاه بالایی در هرم قدرت سیاسی برخوردار باشد و همچنین قانون‌گذار اقتدارات لازم قانونی و حقوقی را در جهت جلوگیری از تخلفات فرهنگی و نیز ضمانت اجراهای مناسب در جهت تنبیه متخلف را برای نهاد ناظر در نظر بگیرد. معمولاً ضمانت اجرا و اجبار به شیوه‌های زیر اعمال می‌شود: ۱- مجازات متخلفین با کیفرهای قانون مثل حبس و اعدام ۲- اجبار مستقیم به ترک یا انجام عملی مانند اخراج غاصب و الزام بدهکار به پرداخت دین

۱. مقام معظم رهبری ۱۳۹۳/۴/۲۳

۳- ابطال عمل مخالف قانون ۴- جبران ضرر مالی ناشی از تخلف قانون ۵- جریمه مالی (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۶۱ و ۶۲)

۳- تمحیض در نظارت و عدم اختلاط نهاد اجرا و نظارت

عدم جمع نهاد مجری و ناظر از مسلمات حقوقی می‌باشد. زیرا در صورتی که قرار باشد نهاد اجرا کننده خود بر عملکرد خود نظارت کند علاوه بر اینکه احتمال تبانی را در انجام فرایند نظارت بالا می‌برد، امکان نظارت بی‌طرفانه و منصفانه را از بین خواهد برد و نظارت را از مفهوم و خاصیت اصلی خود خالی می‌نماید. لذا نهاد ناظر فرهنگی می‌بایست علاوه بر اینکه خود نهاد مجری فرهنگی نباشد، می‌بایست صرفاً به امور نظارتی و سیاست‌گذاری اشتغال داشته باشد تا بتواند با اشراف کامل بر عملکرد فرهنگی و بدور از سونگری و غرض ورزی مسائل فرهنگی را رصد نماید.

۴- ثبات در نهاد ناظر فرهنگی

منبعث از فلسفه نظارت، نهادهای ناظر می‌بایست از ثبات و دوری از تغییرات پیاپی دوره‌ای حاکم بر نهادهای سیاسی باشند. به گونه‌ای که تغییرات نتواند بر کلان‌نگری این نهادها خللی وارد آورد. تا در سایه‌ی این ثبات نهاد ناظر بتواند شاخصه‌های نظارتی خود را در فرایند زمان و به‌صورت راهبردی محک بزند. و تغییر در نهادها شاخصه‌های نظارتی‌شان را متغیر نسازد.

انواع نظارت بر نهادهای فرهنگی

در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران دو راه کار عمده نظارت بر نهادهای فرهنگی وجود دارد. راه کار اول نظارت پارلمانی و راه کار دوم نظارت فرا قوه‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد که به بررسی این دو راه کار می‌پردازیم.

الف- نظارت پارلمانی بر نهادهای فرهنگی

یکی از راهکارهای نظارتی رایج در نظام‌های پارلمانی، نظارت مجلس بر سایر نهادها می‌باشد. اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بیان روابط قوا، متمایل به نظام پارلمانی می‌باشد و ضمن آن که زمینه‌های همکاری قوا را فراهم می‌نماید، اقتدار و نفوذ قوه مقننه بر قوه مجریه را به نحو چشم‌گیری نمایان می‌سازد (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۵۶) که به بررسی این اختیارات و کارآمدی لازم آن می‌پردازیم.

۱- سؤال و استیضاح از وزیر ارشاد

مجلس شورای اسلامی از طریق نظارت قوه مقننه بر قوه مجریه طبق اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر رئیس جمهور و وزرا از طریق انجام سوال و استیضاح نظارت نماید. با توجه به این که دستگاه اصلی مجری سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد، ابزار سؤال و استیضاح وزیر ارشاد از راه کارهای مؤثر نظارتی بر جریان فرهنگ می‌باشد. همچنین نمایندگان مجلس می‌توانند نسبت به عملکرد سایر نهادهای فرهنگی قوه مجریه که خارج از اختیارات و صلاحیت‌های وزیر ارشاد اسلامی می‌باشد مانند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری یا کلیت سیاست فرهنگی قوه مجریه از رئیس جمهور سؤال یا استیضاح به عمل آورند. البته این نظارت صرفاً از نهادهای فرهنگی زیر نظر قوه مجریه به عمل می‌آید و با توجه به گستره‌ی نهادهای فرهنگی خارج از قوه مجریه راه‌کاری جامعی برای نظارت نمی‌باشد. همچنین سؤال و استیضاح، نظارتی سیاسی می‌باشد که معمولاً با برداشتهای منفی از حسن تعامل قوا روبه‌رو است و حالت استثناء دارد. به‌خصوص استیضاح که ضمانت اجرای قوی‌تری نیز دارد، جز در موارد خاص رخ نمی‌دهد؛ لذا ابزاری مؤثر و عملی در راستای نظارت فرهنگی نمی‌باشد.

۲- تحقیق و تفحص از نهادهای فرهنگی

طبق اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. همچنین در سایر نظام‌های حقوقی جهان نیز سازوکار تحقیق و تفحص وجود دارد به‌عنوان مثال در اصل ۷۲ قانون اساسی ایتالیا و اصل ۷۶ قانون اساسی اسپانیا نظارت پارلمان از طریق تحقیق و تفحص پیش‌بینی گشته است (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۵۶). لذا مجلس شورای اسلامی با توجه به اطلاق اصل فوق‌الذکر می‌تواند بر تمامی نهادهای فرهنگی کشور از طریق انجام تحقیق و تفحص نظارت داشته باشد. اگر چه شورای محترم نگهبان پیرامون ماده ۱۹۸ آئین‌نامه سابق مجلس، دستگاه‌های زیر نظر رهبری را از عداد تحقیق و تفحص مجلس خارج نمود و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بر نظر شورای نگهبان مهر تأیید زد. اما مقام معظم رهبری با حکم حکومتی اجازه‌ی تحقیق و تفحص مجلس از دستگاه‌های زیر نظر رهبری را صادر نمودند.^۱ در نتیجه مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاح ماده ۱۹۸ قانون آئین‌نامه داخلی

۱. بسم الله الرحمن الرحيم جناب حجت الاسلام والمسلمين آقای هاشمی رفسنجانی دامت برکاته با سلام و تحیت و تشکر از مجمع تشخیص مصلحت نظام بخاطر اعمال دقت لازم و پابندی شایسته به رعایت مجاری قانونی، مقتضی است در مصوبه‌ی آن مجمع محترم تجدید نظر شود.

سابق مجلس شورای اسلامی نظریه‌ای میانه را انتخاب نمود، تبصره ۷ ماده ۲۱۴ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اشعار می‌دارد: در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند با اذن معظم له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد. لذا نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند بر نهادهای فرهنگی زیر نظر مقام معظم رهبری مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و نهادهای تحت نظر مقام معظم رهبری که فعالیت‌های فرهنگی می‌نمایند مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی با اجازه مقام رهبری تحقیق و تفحص نمایند.

اما باید توجه داشت اگر چه تحقیق و تفحص از نهادهای فرهنگی اختیاری فراگیر برای مجلس شورای اسلامی می‌باشد اما ماهیت تحقیق و تفحص با توجه به سیاق مواد قانون آئین‌نامه داخلی که لزوم دسترسی نمایندگان به اسناد را پیش‌بینی نموده است بیشتر برای تخلفات مالی، اداری و سیاسی مناسب می‌باشد.

همچنین اقدامات کمیسیون مزبور از ضمانت اجرای مؤثری برخوردار نیست (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۲۴۸) و برای امور فرهنگی فاقد هیچ‌گونه ضمانت اجرا می‌باشد، زیرا ضمانت اجرای تحقیق و تفحص یا ارسال به دادگاه در موارد کشف جرم می‌باشد درحالی‌که عدم اجرای صحیح سیاست‌های فرهنگی در قانون جرم‌انگاری نشده است. و یا ارسال به دیوان محاسبات کشور می‌باشد که آن نیز بیشتر مناسب موارد مالی می‌باشد نه فرهنگی و تحقیق و تفحص از نهادهای فرهنگی بیشتر از تخلف در سیاست‌گذاری‌ها، تخلفات مالی این نهادها را روشن می‌نماید. لذا نظارت از طریق تحقیق و تفحص مجلس در نهادهای فرهنگی غالباً با نتایج مثبت و عینی همراه نمی‌باشد و نمی‌توان از آن به‌عنوان یک ابزار نظارتی راهبردی در حوزه فرهنگ استفاده نمود.

کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی

بر اساس اصل ۹۰م قانون اساسی، "هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌توان شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند." این نظارت

بیشتر جنبه‌ی سیاسی داشته و اثر روانی بر جامعه و ارشادی بر دستگاه‌ها می‌گذارد (ساعد وکیل، ۱۳۸۷: ۳۷۲)

گستره‌ی شمول نظارت کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی کلیه قوای سه گانه می‌باشد. افزون بر این، به نظر می‌رسد می‌توان از مفهوم اصل ۱۱۳ قانون اساسی که مقرر می‌دارد "رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد" و مفهوم اصل ۶۰ مبنی بر اینکه "اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است" چنین استفاده کرد که شهروندان می‌توانند نسبت به اموری که مستقیماً زیر نظر رهبری قرار دارد نزد کمیسیون اصل ۹۰ شکایت کنند. (راسخ، ۱۳۸۸: ۸۹).

همان‌گونه که اصل نود ام قانون اساسی اشعار می‌دارد شکایت اشخاص محدود به روش و طرز کار مجلس یا دو قوه دیگر است^۱، که عبارتی بسیار مبهم است. اما مستفاد از سیاق اصل ۹۰ قانون اساسی و نیز قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، نظارت کمیسیون بر نهادها نسبت به جرایم ارتكابی آنان می‌باشد درحالی که تخلفات فرهنگی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران جرم‌انگاری نگشته‌اند. به‌عنوان مثال قانون‌گذار برای نظارت کمیسیون در مواردی که شکایت نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد حق داشتن بازرس را داده است که با سیاق نظارت فرهنگی همخوانی لازم را ندارد^۲. همچنین ماده ۸ "قانون نحوه اجرای اصل نود ام قانون اساسی" پیرامون ضمانت اجرای نظارت کمیسیون مزبور اشعار می‌دارد: "رسانه‌های عمومی از قبیل صدا و سیما و روزنامه‌ها در صورت تمایل به اعلان گزارشاتی را که مربوط به عموم باشد و کمیسیون اصل نود از طریق تریبون مجلس اعلام می‌کند بدون هر نوع تغییر و تفسیری به اطلاع عامه برسانند." و در تبصره ماده ۵ قانون فوق‌الذکر آمده است: "کمیسیون پس از بررسی لازم و احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت را می‌نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد. لذا به نظر می‌رسد ضمانت اجرای این نظارت بیشتر جنبه‌ی رسانه‌ای دارد تا با استفاده از قدرت پارلمان بر نهادهای متخلف فشار لازم را وارد آورد زیرا فرد شاکی می‌تواند خود به‌صورت مستقیم از متخلف به دادگاه صالح شکایت برد و تنها تفاوت شکایت اصل نود در خارج نوبت بودن رسیدگی دعاوی کمیسیون می‌باشد. البته باید

۱. قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ماده ۵

۲. همان، ماده ۳

متذکر شد این ضمانت اجرا ناشی از ماهیت نهاد آمبودزمان^۱ می‌باشد، زیرا نهاد آمبودزمان نوعی دستگاه نفوذ و تأثیر است و از راه‌های غیر قضایی حل اختلاف بهره می‌گیرد و به افکار عمومی به ویژه از طریق انتشار گزارش فعالیت خود تکیه می‌کند (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). فلذا آمبودزمان در هیچ موردی اقدام به صدور حکم نمی‌کند بلکه شکایت و اختلافات بین شهروندان و دولت را از طرفی انعطاف پذیر، سریع و صرفه جویانه حل و فصل می‌نماید و قبل از ارجاع موضوع به نهادهای قضایی ذی صلاح تلاش می‌کند دعوی را بطور کدخدامنشانه بر طرف کند (موسوی فضل‌الله، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

در مجموع مباحث فوق نظارت در کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی دارای ویژگی‌هایی است از قبیل لزوم وجود تخلف و یا جرم صریح قانونی در انجام وظایف نهادها، هدف قرار دادن افکار عمومی، عدم برخورداری از ضمانت اجرای مستقیم، غیر بازدارنده بودن، کدخدا منشانه بودن که باعث عدم مناسبت آن به‌عنوان ابزاری مناسب در جهت نظارت راهبردی نهادهای فرهنگی می‌باشد.

ایرادات نظارت پارلمانی بر نهادهای فرهنگی

همان‌گونه در بالا توضیح رفت نظارت پارلمانی بر نهادهای فرهنگی اگر چه دارای نکات قوتی می‌باشد اما دارای نقاط ضعفی است که بسنده نمودن به این نظارت فرایند نظام فرهنگی را دچار مشکلاتی می‌نماید که در ذیل به آن اشاره می‌نماییم:

۱- دوره‌ای بودن پارلمان

طبق اصل ۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دوره‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۴ ساله می‌باشد. لذا همان‌گونه که در بالا اشاره رفت منقطع بودن و کوتاه بودن دوره نمایندگی که باعث تغییر نمایندگان که تجربه‌ی لازم در امر نظارت را پیدا کرده‌اند با نمایندگانی که غالباً برای بار اول تجربه نمایندگی را دارند، امکان نظارت راهبردی و فراگیر را از مجلس شورای اسلامی می‌گیرد.

۲- اعمال سلایق سیاسی

نظارت مجلس شورای اسلامی جنبه سیاسی دارد. لذا جناح‌بندی‌های سیاسی همواره باعث می‌گردند بسیاری از امور دست خوش‌بازی‌های سیاسی قرار گیرند و ابزارهای نظارتی در جهت تأمین نظر اکثریت مجلس گاه از موارد تخلف چشم‌پوشی و گاه موارد صحیح را تخلف محسوب نمایند. لذا صرف نظارت پارلمانی قادر به تأمین اهداف نظارت در امور زیربنایی مانند فرهنگ نمی‌باشد.

۳- فراگیر نبودن صلاحیت نظارت

همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد مهم‌ترین ابزار نظارتی مجلس یعنی استیضاح و سؤال، صرفاً از کابینه صورت می‌گیرد و سایر نهادها از این نظارت مؤثر مصون هستند. همچنین اختیار تحقیق و تفحص از نهادها نیز عام نمی‌باشد و نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری با اجازه ایشان قابل بازرسی می‌باشند. لذا با توجه به لزوم یکپارچه بودن نظارت فرهنگی، اختیارات نظارتی پارلمان کافی برای رسیدن به اهداف نظارت کارآمد فرهنگی نمی‌باشد.

۴- مؤثر نبودن نظارت

اختیارات مجلس شورای اسلامی در نظارت از نهادها بیشتر جنبه‌ی رسانه‌ای داشته و جز در مورد استیضاح (که دارای حوزه محدود به کابینه می‌باشد) قدرت بازدارندگی ندارد. اگر چه بار رسانه‌ای نظارت مجلس امری مثبت می‌باشد اما برای حوزه فرهنگ که نیازمند اقدامات بازدارنده فوری و مؤثر است ناکارآمد می‌باشد.

لذا با توجه به توصیفات فوق اگر چه نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ابزارهای نظارتی قابل‌توجهی از قبیل تحقیق و تفحص، کمیسیون اصل ۹۰، سؤال و استیضاح برای نمایندگان مجلس پیش‌بینی نموده است اما این ابزارها برای نظارت بر امر فرهنگ اگر چه مفید اما ناکارآمد و ناکافی می‌باشند. که البته ساختار سیاسی و دوره‌ای بودن مجلس این ضعف را تشدید نموده است.

ب- نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی

راه‌کار دیگر نظارت بر فرهنگ در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت فرا قوه‌ای می‌باشد که از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت می‌پذیرد. نهادی انقلابی که طبق دستور امام(ره) و با هدف صیانت از آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی تشکیل یافته است (حیدری، ۱۳۸۸: ۳۴) و به ریاست رئیس‌جمهور، مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری به انجام وظایف

می‌پردازد. مصوبات آن شورا برابر مصوبات مجلس شورای اسلامی بوده و در حکم قانون می‌باشد و در روزنامه‌ی رسمی به چاپ می‌رسد. و دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را ندارد (مهرپور، ۱۳۸۹: ۴۷۱) حتی به نظر برخی از حقوق‌دانان ارزش مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از قانون بالاتر و هم ردیف قوانینی که به مثابه تدبیری برای اجرای قانون اساسی و تکمیل آن تلقی می‌شوند و به اصطلاح به آن قوانین ارگانیک می‌گویند، می‌دانند. البته بعضی از حقوق‌دانان بر این صلاحیت عام و قانون‌گذاری شورا تشکیک نموده و معتقدند امر قانون‌گذاری منحصر در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و امر قانون‌گذاری از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی با موازین قانون اساسی انطباق ندارد (مهرپور، ۱۳۸۴: ۲۳۱ و ۲۳۲) اما رویه حقوقی جاری کشور جایگاه مصوبات شورا را هم ردیف و در حکم قانون عادی می‌داند. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی متشکل از اعضای حقیقی و حقوقی می‌باشد. عضویت سران قوا، رؤسای نهادهای بزرگ فرهنگی و برخی از وزرا به‌عنوان اعضای حقوقی، همچنین مقامات عالی رتبه کشور به‌عنوان عضو حقیقی باعث اهمیت جایگاه این نهاد گردیده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای دو بازوی نظارتی می‌باشد: هیأت نظارت و ارزیابی علمی و فرهنگی و هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی که هر یک به قسمتی از کار ویژه‌های فرهنگی نظارت می‌نماید در این قسمت به تحلیل حقوقی نظارت این دو بازوی نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌پردازیم.

۱- هیأت نظارت و بازرسی

شورای عالی انقلاب فرهنگی از همان ابتدای تشکیل، سازوکار نظارت بر اجرای مصوبات را طراحی و در قالب «هیأت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی» تصویب نمود. این هیأت، براساس مصوبه‌ی جلسه‌ی ۲۸ مورخ ۶۴/۴/۱۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و به‌منظور مراقبت از جریان صحیح و سالم انقلاب فرهنگی و رسیدگی به مسائل و مشکلاتی که در طی بسط و پیشرفت آن پیش می‌آید، تشکیل شد. در آخرین آئین‌نامه‌ی هیأت نظارت و بازرسی مصوب جلسه ۵۳۸ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیرامون وظایف هیأت مذکور آمده است: ۱- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و پی‌گیری اجرای آن، ۲- بررسی سالانه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارائه پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی به‌منظور بهبود فرآیند اجرا و ارتقای میزان تأثیرگذاری آنها.

نظارت حقوقی بر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران □ ۲۰۷

مستفاد از آئین‌نامه هیأت نظارت و بازرسی، هیأت مذکور دارای دو کار ویژه اساسی می‌باشد: ۱- نظارت بر حسن اجرا مصوبات شورای عالی، ارائه راه کارهایی در جهت بهبود فرایند اجرا مصوبات شورای عالی و حل اختلاف ناشی از اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی^۱ ۲- انجام استعلامات و رسیدگی به شکایاتی که از سوی نهادهای فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به هیأت ارجاع می‌گردد.^۲

وظیفه دوم مربوط به اختیارات بازرسی هیأت می‌باشد اما پیرامون وظیفه‌ی نظارتی هیأت باید خاطر نشان کرد که نظارت هیأت در محدوده‌ی مصوبات شورا می‌باشد با این توصیف که شورا صرفاً نسبت به حسن اجرای مصوبات نظارت می‌نماید و اختیار ارائه‌ی پیشنهاد به شورا را صرفاً برای ارائه راه کارهایی در جهت بهبود اجرایی شدن مصوبات شورا دارد. و هیأت نظارت و بازرسی فاقد اختیارات نظارتی راهبردی در جهت رصد کلیه فعالیت‌های فرهنگی می‌باشد و صرفاً یک نهاد بازرسی در چهارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

۲- هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی

در سال ۱۳۷۹ براساس بند ۶ وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶/۹/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی که اشعار می‌دارد "بررسی و ارزیابی وضع فرهنگ، آموزش و تحقیقات کشور" و به‌منظور ارزیابی و آرایه تصویری روشن از روند تحولات فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی کشور، "هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی" در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل گردید. ناکافی بودن نظارت هیأت نظارت و بازرسی خلاء یک نهاد راهبردی را در جهت رصد کلیه فعالیت‌های فرهنگی روشن ساخته بود، لذا تأسیس هیأت نظارت و ارزیابی پاسخی بر این دغدغه‌ی فرهنگی بود. هدف تأسیس هیأت مذکور نیل به تصویر واقعی از وضعیت فرهنگی و علمی کشور در قالب گزارش‌های سالانه به‌منظور اطلاع مردم و مسوولان از موقعیت و روند فرهنگی و علمی کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی، پیشنهاد راهکارهای مناسب به شورای عالی انقلاب فرهنگی برای رفع مشکلات و ارتقای معیارهای فرهنگی و علمی کشور، ایجاد نظام هماهنگ ارزیابی فرهنگی و علمی با استفاده از همه تجارب و امکانات موجود کشور می‌باشد.^۳

۱. بندهای ۱ و ۲ و ۴ ماده ۱ آیین‌نامه هیأت نظارت و بازرسی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۹

۲. بندهای ۳ و ۵ و ۶ و ۷ ماده ۱ آیین‌نامه هیأت نظارت و بازرسی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۹

۳. ماده ۱ آیین‌نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

گستره‌ی ارزیابی وضعیت فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی کشور در هیأت نظارت و ارزیابی، شامل فعالیت‌های دولتی و غیردولتی در عرصه‌های مزبور به مفهوم وسیع است،^۱ که امکان ارزیابی جامع و یکپارچه فرهنگی را فراهم می‌آورد.

همچنین هیأت در دو سطح به ارزیابی وضعیت فرهنگی کشور می‌پردازد: الف- ارزیابی کلان: در این سطح وضع فرهنگی و علمی و آموزشی و پژوهشی کشور در مقیاس ملی ارزیابی می‌شود و وضعیت هر یک از بخش‌ها (تعلیم و تربیت، علم و فن‌آوری، فرهنگ و ارتباطات) به صورت کلی و فراتر از دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوط به آن بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ارزیابی باید روند بخش‌های مذکور و موقعیت نسبی هر یک را در عرصه بین‌المللی معین کند. ب- ارزیابی خرد: در این سطح وضعیت دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوط به هر بخش و در مقایسه با هم ارزیابی می‌شود. این ارزیابی باید در نهایت به رتبه‌بندی دستگاه‌ها و سازمان‌های مشابه منجر گردد.^۲

لذا با توجه به توضیحات فوق هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی علمی دارای اختیارات و وظایف استراتژیک و راهبردی در جهت رصد همه جانبه‌ی نهادهای فرهنگی کشور می‌باشد، اما پیرامون نتایج حاصل ناشی از وظایف هیأت ماده ۵ آئین‌نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹ اشعار می‌دارد: نتایج ارزیابی در هر بخش، شامل آسیب‌شناسی وضع فرهنگی و علمی و آموزشی و پژوهشی کشور و ارائه پیشنهادهای مشخصی برای بهبود وضع در سطح کلان باشد، در قالب گزارش سالانه تدوین و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم می‌شود. همچنین گزارش‌های ارزیابی پس از تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند برای اطلاع عموم منتشر شود.^۳ نتایج ارزیابی در سطح خرد در تخصیص بودجه و اعتبارات و اعطای امتیازات به دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی و علمی و آموزشی و پژوهشی می‌بایست مدنظر قرار گیرد. لذا طبق بند ۳ ماده ۵ آئین‌نامه هیأت مذکور "سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف هستند ظرف مدت سه ماه مشترکاً آیین‌نامه اجرایی این امر را به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد نمایند." اما متأسفانه تا کنون پس از گذشت ۱۴ سال از تصویب این آئین‌نامه هیچ آئین‌نامه اجرایی برای آن نوشته نشده است و در عمل این هیأت را از لحاظ اجرایی عقیم ساخته است و متأسفانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱. ماده ۳ آیین‌نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲. ماده ۴ آیین‌نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

۳. بند ۴ ماده ۵ آیین‌نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹

علی‌رغم حق قانونی خویش، تا کنون گزارش‌های هیأت نظارت و ارزیابی را برای اطلاع عموم منتشر ننموده است.

با توجه به تحلیل صورت گرفته فوق پیرامون "هیأت نظارت و بازرسی" و "هیأت نظارت و ارزیابی" دو هیأت فوق‌الذکر دارای صلاحیت‌ها و اختیارات مؤثر و مکمل قانونی در جهت نظارت بر فرهنگ می‌باشند. اما آنچه باعث می‌شود تا نظارت این دو هیأت بر نهادهای فرهنگی در حاله‌ای از ابهام فرو رود مسأله‌ی ضمانت اجرا می‌باشد. در آئین‌نامه‌های تشکیل هیأت‌های فوق با توجه به عدم تصویب آئین‌نامه اجرایی هیچ راه‌کار مستقل اجرایی برای نظارت پیش‌بینی نشده است و تنها راه‌کار نظارتی هیأت‌های دوگانه اعلام گزارش‌ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. حال باید دید شورای عالی انقلاب فرهنگی از لحاظ ضمانت اجرای نظارت بر نهادهای فرهنگی دارای چه وضعیتی می‌باشد.

ضمانت اجرای نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی

ضمانت اجرا مهم‌ترین خصیصه‌ی عمل حقوقی می‌باشد به‌گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران حقوقی معتقدند، قاعده‌ای را که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است نباید در شمار قواعد حقوقی آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۵) شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای نظام ضمانت اجرای مشخصی نمی‌باشد و در آئین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی به این بخش توجه ویژه‌ای نشده است.^۱ قانون‌گذار مشخص ننموده است که تخلف نهادهای فرهنگی از وظایف خویش و یا عدم توجه به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی چه مجازاتی را در پی خواهد داشت. قانون‌گذار صرفاً با قرار دادن رئیس قوه مجریه در مسند ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز رئیس مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نایب رئیس اول و رئیس قوه قضاییه به‌عنوان نایب رئیس دوم، سعی نموده است تا با بالا بردن مقام ریاست شورا این ضعف را بپوشاند؛ درحالی‌که هیچ سازوکار نظام‌مندی میان ریاست عالی شورا با نهادهای گسترده و پراکنده فرهنگی سراسر کشور ایجاد نگشته است. پیرامون راه‌حل رفع معضل ضمانت اجرای اعمال شورای عالی انقلاب فرهنگی، مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر تدوین سازوکار ضمانت اجرای مناسب، برای شورای عالی انقلاب فرهنگی دو راه کار موقت برای رفع این معضل برشمرده‌اند: الف- خود حضور رئیس‌جمهور و رئیس قوه مقننه برای قانون‌گذاری - آنجاهایی که احتیاج به قانون‌گذاری است - و وزرای

1. <http://isna.ir/fa/news/92092114764>

محترم و مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط، باید به معنای ضمانت اجرا باشد ب- باید خود اعضا و دستگاه‌های فرهنگی قبول کنند و باور داشته باشند که ما این جایگاه را به‌عنوان یک قرارگاه مرکزی قرار دادیم.^۱

نقاط ضعف نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی

اما همانگونه که مقام معظم رهبری بر تدوین راهکار مناسب جهت ضمانت اجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید نمودند، به دلایل ذیل، باید دانست که سازوکار قانونی فعلی شورای عالی انقلاب فرهنگی به هیچ‌عنوان تناسبی با افاق فرمان فرهنگی^۲ کشور ندارد:

۱- عدم عضویت تمامی نهادهای فرهنگی در شورا

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد، بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها و بودجه‌های فرهنگی کشور توسط نهادهایی صورت می‌پذیرد که کار ویژه‌ی اصلی آن‌ها فرهنگی نیست، مانند بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری‌ها و ... که هیچ‌کدام از نهادهای فوق‌الذکر عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیستند. لذا در صورتی که حضور رؤسای نهادهای فرهنگی در شورای عالی را به‌عنوان ضمانت اجرا بپذیریم، عدم حضور اعضای نهادهای فوق‌الذکر در شورا خود عامل مهمی در ناهماهنگی و عدم نظارت صحیح فرهنگی می‌باشد. نقطه ضعفی که با حضور شهردار تهران، رئیس بنیاد شهید، .. تا حدی در شورای فرهنگ عمومی که از شوراهای اقماری شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد مرتفع شده است. لذا عدم حضور نهادهای عامل فرهنگ در شورا یکی از ضعف‌های ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

۲- عدم تفویض رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی بر تمامی نهادهای عضو

شورا

از آنجایی که ضمانت اجرا به‌عنوان قوه قاهره به کار برده می‌شود، می‌بایست دارای حمایت قانونی و حقوقی نیز باشد. طبق اصل سلسله مراتب اداری هر ماموری که تحت نظر مأمور دیگری انجام وظیفه می‌کند، مکلف به اطاعت از اوامر مافوق خود هست (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۴۶) و مقام مادون

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۶

موظف است نسبت به دستورات در حدود اختیارات مقام مافوق عمل نماید. پیرامون ریاست رئیس جمهور بر شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز همین اصل مورد نظر بوده است که با توجه به جایگاه بالای رئیس جمهور در هرم حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از رهبری بالاترین مقام رسمی کشور می باشد، بتواند نسبت به ضمانت اجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی عمل نماید. این مسأله پیرامون بعضی از نهادهای فرهنگی موجود در شورا صدق می کند مانند وزرای عضو در شورا، معاون علمی و فن آوری رئیس جمهور و رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات، اما پیرامون بعضی دیگر از اعضای شورا که از لحاظ نمودار سازمانی حقوق اساسی ذیل رئیس جمهور تعریف نمی کردند مانند رئیس سازمان صدا و سیما، رئیس سازمان تبلیغات، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و رئیس جهاد دانشگاهی مصداق پیدا نمی کند. زیرا بعضی به صورت هیأت امنایی انتخاب گشته اند مانند دانشگاه آزاد اسلامی و جهاد دانشگاهی و بعضی دیگر نیز منصوبین مقام رهبری می باشند، و از لحاظ اداری زیرمجموعه رئیس جمهور تعریف نمی شوند لذا رئیس جمهور بر آنان تفوق نداشته و آنان تکلیفی بر تمکین از حکم رئیس جمهور ندارند. و باعث می گردد ضمانت اجرای مصوبات شورا به صورت کامل و یکپارچه تحقق پیدا نکند. و گاهی اوقات برخی دستگاه ها در اجرای مصوبات تعلل کرده اند (کی نژاد، ۱۳۸۴: ۸۵).

۳- جمع نهاد نظارت و اجرا در شورای عالی انقلاب فرهنگی

اگر از دو انتقاد فوق پیرامون ضعف ضمانت اجرا در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز چشم پوشی نماییم با بزرگترین انتقاد پیرامون ضمانت اجرای شورا مواجه می شویم و آن جمع نهاد نظارت و اجرا در شورای عالی می باشد. به این شرح که بعد از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست وزیر، رئیس جمهور به عنوان رئیس کابینه خود مستقیماً مسئول امور اجرایی کشور می باشد و مسئولیت تنظیم روابط قوا از عداد مسئولیت های وی حذف گردیده، لذا بعد از اصلاح قانون اساسی نقش فرا قوه ای رئیس جمهور محدود گشته است و خود مستقیماً مسئول اجرایی امور گوناگون اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی می باشد. و به نظر می رسد ریاست رئیس جمهور بر شورای عالی انقلاب فرهنگی برگرفته از جایگاه فرا قوه ای رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بوده که وظیفه تنظیم روابط قوای سه گانه بر عهده وی گذاشته بود. اما بعد از اصلاح قانون اساسی و واگذاری وظیفه تنظیم روابط قوا به رهبری، ریاست رئیس جمهور بر نهادهایی که جایگاه فراقوه ای دارند محل اشکال و بحث می باشد.

لذا لازم است تا آن‌جا که ممکن است انجام عمل و نظارت بر این عمل در یک نهاد یا مقام جمع نشود و از هم جدا باشد (راسخ، پیشین: ۱۷) این تحلیل پیرامون اختیارات رئیس‌جمهور بعد از تغییر قانون اساسی سال ۱۳۶۸ پیرامون تفسیر اصل ۱۱۳ در موضوع نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز مشهود است (اسماعیلی، ۲۴: ۲۸) از آنجایی که عمده‌ی فعالیت‌های فرهنگی و بودجه فرهنگی کشور توسط قوه‌ی مجریه انجام و صرف می‌شود، لذا مسلماً دولت خود مدافع جدی فعالیت‌های فرهنگی خویش می‌باشد و در نتیجه نه تنها نقش ضمانت اجرای کمرنگ خواهد گشت بلکه نظارت نیز به خوبی انجام نخواهد گرفت، زیرا نظر عامل نسبت به عمل خویش همیشه با رویکرد مثبت خواهد بود. لذا این انتقاد بر جایگاه نظارتی و ضمانت اجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد که ریاست رئیس‌جمهور بر این شورا علی‌رغم محسنات دارای انتقادات جدی می‌باشد؛ زیرا رئیس‌جمهور خود عضوی از قوه مجریه بوده و با توجه به ترکیب شورای عالی که مرکب از اعضای حقوقی غیردولتی و حقیقی منصوب مقام معظم رهبری می‌باشند، حتی اگر برخلاف خواست دولت مصوبه‌ای تصویب گردد، هیچ ضمانت اجرایی برای دولت در جهت اجرای مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد.

نتیجه گیری

از آن‌چه توضیح داده شد نتیجه گرفته می‌شود، با توجه به اهمیت فرهنگ در نظام جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن نهادهای متعدد و پراکنده با عناوین فرهنگی و غیر فرهنگی که به انجام امور فرهنگی می‌پردازند، لذا لزوم سیاست‌گذاری یکپارچه و نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها امری بدیهی و ضروری برای حفظ و صیانت از حیات فرهنگی کشور می‌باشد. نظارت پارلمانی با ابزارهایی از قبیل سؤال و استیضاح، تحقیق و تفحص، کمیسیون اصل نود قانون اساسی، یکی از راهکارهای رایج نظارت فرهنگی می‌باشد. اما با توجه به ضعف‌هایی از قبیل عدم ثبات پارلمان و دوره‌ای بودن پارلمان، سیاسی بودن پارلمان و لزوم حفظ فرهنگ از سیاست‌زدگی، عدم صلاحیت کامل پارلمان نسبت به نظارت بر کلیه نهادهای فرهنگی، عدم تخصص کامل نسبت به سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی، جنبه‌ی سیاسی و رسانه‌ای بیشتر ابزارهای رسانه‌ای مجلس، نظارت پارلمانی را نمی‌توان گزینه‌ای مناسب جهت نظارت فرهنگی و به‌خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی دانست.

از سوی دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان هسته‌ی مرکزی فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور، از دیگر گزینه‌های نظارت بر فرهنگ می‌باشد، اگر چه نقاط

ضعفی از قبیل عدم عضویت بعضی از نهادهای بزرگ غیرفرهنگی که نقش مؤثری در جریان فرهنگی کشور ایفاء می‌کنند مانند بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، شهرداری‌ها و ... از نقاط ضعف در سیاست‌گذاری یکپارچه شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد اما به جهت حضور چهره‌های برجسته فرهنگی به عنوان اعضای حقوقی و غالب نهادهای بزرگ و مؤثر فرهنگی کشور در شورا و نظارت عالی‌ه مقام معظم رهبری نسبت به شورا، شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند در زمینه‌ی سیاست‌گذاری کلان و یکپارچه نقش مؤثری را ایفا نماید. اما از لحاظ نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی به دلیل ضعف جدی در ضمانت اجرای مصوبات و سیاست‌گذاری‌های کلان خود از لحاظ ساختار حقوقی توان نظارت مؤثر بر جریان فرهنگ کشور را ندارد. زیرا از یک‌سو بسیاری از نهادهای عامل فرهنگی کشور عضو شورا نیستند و هیچ قانونی آنان را ملزم به تبعیت از سیاست‌گذاری‌های شورا نمی‌نماید و از سوی دیگر بسیاری از نهادهای فرهنگی عضو شورا از لحاظ ساختار حقوقی ذیل ریاست جمهوری به‌عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌باشند و مهم‌ترین ایراد وارده به کار ویژه نظارت کلان فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی حضور رئیس کابینه به‌عنوان رئیس شورا می‌باشد، زیرا جمع نهاد اجرا و نظارت، صحت، دقت و بی‌طرفی نظارت را اساساً زیر سؤال می‌برد.

لذا با توجه به نقش و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان بالاترین مرجع فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و مأموریت مهندسی فرهنگی کشور ضرورت دارد بازنگری اساسی در سیستم نظارت و پیگیری مصوبات این شورا با رویکرد مهندسی فرهنگی به‌عمل آید (علی احمدی، ۱۷: ۸۹).

با توجه به جمیع نکات مطرح شده پیرامون شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌نظر می‌رسد شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه‌ی سیاست‌گذاری یکپارچه و کلان فرهنگی به‌خصوص در صورت فعالیت بیشتر بازوهای تخصصی خویش مانند هیأت نظارت و ارزیابی نقش منحصر به فردی را می‌تواند داشته باشد؛ اما از لحاظ نظارت یکپارچه از نقاط ضعف جدی فوق‌الذکر برخوردار می‌باشد که در جهت رفع این مشکلات پیشنهادات ذیل قابل ارائه می‌گردد:

پیشنهادهات

۱- در جهت رصد گسترده‌تر فرهنگی و امکان سیاست‌گذاری یکپارچه می‌بایست نهادهایی با کار ویژه‌ی اصلی غیرفرهنگی که به فعالیت‌های قابل توجه فرهنگی می‌پردازند به عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی در آیند. مانند: سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بنیاد شهید، شهرداری

۲- ایجاد نهادی مستقل از شورای عالی جهت نظارت بر سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته توسط شورای عالی، منصوب و ذیل اختیارات مقام معظم رهبری، این نهاد صرفاً وظیفه‌ی نظارتی بر کلیه‌ی اعمال فرهنگی نهادهای فرهنگی، غیرفرهنگی، نظامی، دولتی، خصوصی... و تطبیق آن با سیاست‌گذاری‌های کلان شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده دارد. از لحاظ تشکیلاتی این نهاد مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری و از نظر بودجه می‌بایست مستقل از سایر نهادها باشد، تا دیگر نهادها نتوانند از این طریق اعمال نفوذ نمایند. این نهاد صرفاً وظیفه‌ی نظارتی بر عهده دارد و به هیچ عنوان وظایف دیگر از جمله سیاست‌گذاری را برعهده ندارد. این نهاد می‌بایست دارای اختیارات قاطع و فوری در جلوگیری از هرگونه تخلف فرهنگی برخوردار باشد. اعضای این نهاد نظارت فرهنگی می‌بایست دارای جایگاه و تجربه‌ی فرهنگی قابل‌توجهی باشند و به دور از جهت‌گیری‌های سیاسی و به‌صورت فرا جناحی انتخاب گردند، که به نظر می‌رسد با توجه به نقش تنظیمی‌مقام معظم رهبری مستفاد از اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایشان بهترین مقام برای نصب اعضای این نهاد می‌باشند.

می‌توان با خارج نمودن و مستقل نمودن "هیأت نظارت و بازرسی" و "هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی" از شورای عالی انقلاب فرهنگی این دو هیأت را مأمور وظیفه فوق ساخت. تا از یک طرف از ایجاد نهادهای فرهنگی موازی جلوگیری نمود، و از سوی دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً نهادی ممحض در سیاست‌گذاری گردد و امور نظارت به دستگاه دیگری واگذار گردد.

منابع

۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، انتشارات صدرا.
۲. مخبر دزفولی، محمدرضا، ۱۳۸۹، *جایگاه رویکرد و عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی در مدیریت کلان علم و فرهنگ*، تهران، انتشارات راه دان.
۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱، *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. انصاف پور، غلامرضا، ۱۳۷۹، *کامل فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات زوار.
۵. انوری، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۶. نفیسی، علی اکبر، ۱۳۴۳، *فرهنگی نفیسی*، تهران، انتشارات خیام، جلد چهارم.
۷. مارشال، گردن، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، ۱۳۸۸، *فرهنگ جامعه شناسی آکسفورد*، تهران، انتشارات میزان.
۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۸، *بایسته‌های فقه سیاسی*، تهران، انتشارات مجد.
۹. نگهداری، بابک، ۱۳۸۶، *درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فرهنگی*، انتشارات امیدمجد.
۱۰. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، *نسخه الکترونیکی*.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۳، *فقه سیاسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۵، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، میزان، ج ۲.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۴، *حقوق اساسی تطبیقی*، تهران، میزان.
۱۴. پروین، خیرالله، اصلانی، فیروز، ۱۳۹۱، *اصول و مبانی حقوق اساسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. وکیل، امیر ساعد، ۱۳۸۷، *قانون اساسی در نظام حقوقی کنونی*، تهران، انتشارات مجد.
۱۶. راسخ، محمد، ۱۳۸۸، *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، تهران، انتشارات دراک.
۱۷. عباسی، بیژن، ۱۳۸۹، *حقوق اداری*، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۸. مهرپور، حسین، ۱۳۸۹، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۹. قاضی شریعت پناه، ابوالفضل، ۱۳۸۳، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران، انتشارات میزان.

۲۱۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۳، زمستان ۹۳، ش ۱۱

۲۰. مهرپور، حسین، ۱۳۸۴، *وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی*، تهران، انتشارات ثالث
۲۱. اداره کل روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱، *آشنایی با شورای عالی انقلاب فرهنگی*، تهران، انتشارات شریف.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، *مقدمه علم حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۳. امامی، محمد، ۱۳۹۱، *حقوق اداری*، تهران، انتشارات میزان، ج ۱.
۲۴. کی‌نژاد، محمدعلی، ۱۳۸۴، *سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران، انتشارات دانش پرور.
۲۵. موسوی، فضل‌الله، ۱۳۹۱، *بررسی استقلال نهاد آموذزمان با نگاه تطبیقی*، فصل نامه حقوق، شماره ۴.
۲۶. حیدری، علی، ۱۳۸۸، *بررسی جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حقوقی ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۷. اسماعیلی، محسن، ۱۳۸۳، *نقش رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی*، مجله دین و ارتباطات، شماره ۲۴.
۲۸. خوان محمدی، کریم، ۱۳۸۸، *عناصر فرهنگ پایداری ایرانیان*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی، شماره ۳۸.
۲۹. علی احمدی، علیرضا، ۱۳۸۶، *مهندسی مجدد سیستم نظارت و پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با رویکرد مهندسی فرهنگی*، مجله مدیریت فردا، شماره ۱۷.
۳۰. گودرزی، غلامرضا، ۱۳۸۸، *تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی*، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۵.
۳۱. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۳۲. *قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*.
۳۳. *قانون اساسنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران*.
۳۴. *نقشه مهندسی فرهنگی کشور*، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۵. *قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۳۶. *آیین‌نامه هیئت نظارت و بازرسی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۹*.

نظارت حقوقی بر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران □ ۲۱۷

۳۷. آیین نامه هیأت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ

۱۳۷۹/۱۲/۹.

38. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26968>
- <http://icana.ir/fa/news/260950>
- <http://rasanews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=216574>
- <http://www.iqna.ir/fa/News/1409820>
- <http://isna.ir/fa/news/۹۲۰۹۲۱۱۴۷۶۴>